

با پیگیری شهرآرامحله یکی از مصوبات شورای اجتماعی محله بالاخیابان اجرا شد

هموارسازی موقت پیاده‌رو رضوان، با پله

هم قدم

بالاخیابان است که بارها پیگیر هموارشدن این مسیر بوده است. او می‌گوید: خانه مادر رضوان ۵ است. از مسیر پیاده‌رو پایین هم می‌توانیم رد شویم، اما پس از بازشدن بولوار رضوان، سه ماه تابستان اینجا قلوه سنگ‌های بزرگ ریخته بود و نمی‌توانستیم از همین پایین هم تردد کنیم: پیاده‌روی که هفته گذشته آن را با آسفالت صاف کردند.

مرجانی ادامه می‌دهد: معمولاً پیاده‌روها با سنگ فرش یا موزاییک درست می‌شود. ریختن قیر یعنی این پیاده‌رو موقتی است. ما از طولانی شدن پروژه خسته شده ایم و می‌خواهیم بدانیم ساخت و ساز تقاطع کی تمام می‌شود. تمام شدن یعنی ساخت کامل پیاده‌رو و آیلند و اطراف تقاطع!

احداث تقاطع می‌گوید: فاصله تقاطع تارضوان ۵ با نرده بسته شده و مدت‌ها بود که مسیر ورود نداشتیم. حتی مسیر ورودی از سمت کلانتری شهید آستانه پرست را که در ابتدای بولوار رضوان قرار دارد، با بلوکه‌های بزرگ بسته بودند. تنها راهی که برایمان باز گذاشته بودند، یک راه رابریک بین بلوک‌ها بود که از زمین ارتفاع زیادی داشت و رفتن از آن برای خانم‌ها یا افراد مسن سخت بود. منوراییزی به مسیری که اکنون به صورت پلکانی درست شده است، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: سه ماه است که درخواست داده ایم این مسیر را باز کنند. در نهایت فاصله بین بلوک‌ها را زیاد کرده اند و پله گذاشته اند. درست است که حالا عابر پیاده می‌تواند راحت‌تر از اینجا رد شود، اما برای افرادی که با ویلچر، واکر یا کالسکه هستند، فکری نکرده اند.

نجمه موسوی کاهانی ابتدای تابستان امسال، قفل بولوار رضوان که شش سال معطل تملک چند باب مغازه مانده بود، باز شد و اهالی بالاخیابان به سامان یافتن تقاطع شهید کاشانی با این بولوار امیدوار شدند. در گزارشی که هفتم تیرماه چاپ کردیم، حامد آتشی، رئیس امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ثامن، قول داد که مسیر در مدت کمتر از یک ماه به بهره‌برداری برسد. در ظاهر همین اتفاق افتاد و در کمتر از ۱۰ روز تردد خودروها با نصب چراغ راهنمایی و رانندگی به راحتی امکان پذیر شد. اما پروژه در برخی بخش‌ها مانند احداث پیاده‌رو و آیلند میانی دچار توقف چند ماهه شد.

مسیر باز است، اما مناسب نیست

با توجه به اینکه پیاده‌رو بولوار رضوان در سمت شماره‌های فرد، اختلاف ارتفاع دارد و برای ایمنی مردم با نرده گذاری جدا شده است، تا هفته گذشته پیش از آنکه بخشی از مسیر درست شود، تردد بسیار سخت بود. سامان یافتن پیاده‌رو ابتدای بولوار رضوان به عنوان یکی از مطالبات اصلی شورای اجتماعی محله بالاخیابان در همه جلسات مطرح می‌شد؛ پیاده‌روی که بولوار شهید کاشانی را به ورودی کوچه‌های رضوان در سمت شماره‌های فرد متصل می‌کرد.

هفته گذشته به دنبال پیگیری‌های شهرآرامحله از اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن، پیاده‌رو آسفالت و پله‌هایی برای دسترسی به مسیر کوچه‌های رضوان یک، ۳ و ۵ ایجاد شد. ایجاد دسترسی حس رضایت‌مندی نسبی را ایجاد کرده است، اما سوالاتی هم مطرح می‌شود. یکی از اعضای شورای اجتماعی محله درباره اجرای نیمه‌کاره

تکمیل پروژه به شرط رسیدن اعتبار

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه هموارسازی پیاده‌رو رضوان مطالبه مردمی بوده است، می‌گوید: تکمیل پروژه رضوان زمان‌بر است، اما به دلیل اینکه مسیر مردم ناهموار بود و تردد سخت، به صورت موقت مسیر را مسطح کردیم. سید محمد حسین باغدار حسینی ادامه می‌دهد: برای تکمیل پروژه تقاطع رضوان و شهید کاشانی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار لازم است که تأیید شده و منتظر دریافت بودجه هستیم. در پروژه مسیر مناسب توان یابان در نظر گرفته شده است و این پیاده‌رو نیز مانند پیاده‌روهای مجاور به صورت یکدست تایل می‌شود.

باغدار با اشاره به اینکه به محض رسیدن اعتبار، پروژه ظرف یک ماه تکمیل می‌شود، می‌افزاید: تلاش می‌کنیم تا پایان سال اعتبار را دریافت و پروژه را تکمیل کنیم.

ساخت تقاطع کی تمام می‌شود؟

سید مهدی مرجانی یکی دیگر از اعضای شورای اجتماعی محله



دختران دبستان امام حسین (ع) در محله بالاخیابان به یاد شهید جنگ دوازده‌روزه جشن گرفتند

گرامیداشت روز دانش‌آموز در کنار دختران شهید میثمی

وقتی پدرم شهید شد...

لحظات احساسی برنامه زمانی رقم می‌خورد که از پدر و همسر شهید مرتضی میثمی دعوت می‌شود تا برای دختران دبستانی صحبت کنند. پدر شهید از ویژگی‌های پسرش برای بچه‌ها می‌گوید و علاقه‌اش به حضرت علی اکبر (ع) هانیه، دختر بزرگ شهید، از خاطراتش با پدر می‌گوید: وقتی پدرم شهید شد، از رفتار عمومی فهمیدم. او برای رعایت حال ما، می‌گفت یکی از همکارانم که دو دختر دارد، شهید شده است.

او خاطرش می‌آید روزی که پدرش به مدرسه آمده بود: یک بار برای دادن رضایت‌نامه که بتوانم در اردو شرکت کنم، بابایم به مدرسه آمد. در صف ایستاده بودم که من را بغل کرد و گفت درس هایت را خوب بخوان بابا.

فرشته‌ها پولشان تمام شده!

خواهر کوچک ترش، ریحانه که کلاس اولی است، با صدایی کودکانه، شیرین‌ترین خاطرات خود را تعریف می‌کند: یک بار رفته بودیم شمال. حوصله‌ام سر رفته بود. بابا من را برادر پارک. وقتی تاب و سرسره سوار می‌شدم، قلقلکم می‌داد. یک بار هم با هم فوتبال بازی می‌کردیم. من را بغل و توپ را گل می‌کرد. هانیه خاطره دیگری از پدرش را به یاد می‌آورد و با هیجان تعریف می‌کند: هر سال عید، بابایم می‌گفت فرشته‌های مهربان برای بچه‌ها هدیه می‌خرند و وزیر بالشتشان می‌گذارند. یک سال هر چه خانه را گشتم، هدیه‌ای پیدا نکردم. به بابایم گفتم چرا فرشته‌ها هدیه نیاورده‌اند؟ بابا گفت فرشته‌ها

شاهیان دانش‌آموزان شعبه ۳ دبستان دخترانه امام حسین (ع) در خیابان شهید کامیاب، در صف‌های مرتب در نمازخانه مدرسه شان نشسته‌اند. مجری برنامه سرشوخی را با آن‌ها باز کرده است و می‌گوید: «خوش به حالتان که چند ساعتی از درس و کلاس خبری نیست!»

دختران با هیجان در انتظار شروع برنامه اند تا امسال هم خاطره‌ای تازه از روز دانش‌آموز برایشان ساخته شود. به میج‌هایشان پارچه‌هایی با عنوان «یازهر» (۳) بسته اند و هر کدام یک پرچم ایران در دست دارند. فضا ترکیبی از شور کودکان و احترام به شهید است، اما محور اصلی برنامه، تجلیل از دو دانش‌آموز ویژه است: فرزندان سرهنگ شهید مرتضی میثمی، دانش‌آموزان پایه اول و پنجم مدرسه که پدرشان از شهیدای جنگ دوازده‌روزه است.

به خاطر شما دانش‌آموزان خوب

حجت الاسلام والمسلمین حسنعلی اخلاقی، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، حسین عبدا...زاده، شهردار منطقه ثامن، و مجید شعبانف، مسئول سازمان بسیج دانش‌آموزی استان، در برنامه حضور دارند. حجت الاسلام والمسلمین اخلاقی بالحنی نرم به دختران می‌گوید: روز سیزدهم آبان یادآور رشادت نوجوانانی است که در برابر رژیم آمریکا ایستادند و به شهادت رسیدند. کشور ما به خاطر داشتن دانش‌آموزان خوبی مثل شما به خود می‌بالد.



عیدگاه

پولشان تمام شده است و نتوانسته‌اند هدیه بخرند. آن روز فهمیدم همه هدیه‌های قبلی را هم بابایم می‌خریده است.

بزرگ‌ترین دارایی در راه امنیت ما

هم‌کلاسی‌های این دو خواهر هم احساس خود را از فداکاری‌های شهید بیان می‌کنند. رستاسپهری، دانش‌آموز پایه پنجم، می‌گوید: آدم‌های کمی درد نیا حاضرند مثل شهید فداکاری کنند، اما در ایران خیلی هاجان‌شان را برای وطن می‌دهند. من هم دوست دارم شهید شوم. ریحانه شفا، دیگر دانش‌آموز دبستان امام حسین (ع)، از وظیفه‌اش در برابر فرزندان شهید می‌گوید:



اجرای مراسم را با اسکن این کد ببینید.

وظیفه ما ست یاد دختران شهید با مهربانی رفتار کنیم و اگر مشکلی داشتند، به آن‌ها کمک کنیم. چون آن‌ها بزرگ‌ترین دارایی‌شان را در راه امنیت ما از دست داده‌اند. این مراسم با تجلیل از خانواده شهید میثمی به پایان رسید: روزی که در یاد همه حاضران با شادی و غرور ملی ماندگار شد.